

# روسو و تعلیم و تربیت

— ۲ —

## فصل چهارم از کتاب امیل :

در این مرحله بچه علاوه بر تأثیراتی که بواسطه حواس بدست آورده شروع بقضاوت فکری درباره اشیا و مردمان و دادن حکمهای قطعی در بعضی مسائل میکند ، و رفته رفته صاحب فکر و فهم و ادراک میشود ؛ حیوانات دیگر قوه حکمیت شان زیاد نمی باشد ولی امیل که در شهر ها زندگی میکند بدادن حکم در خصوص اشیا و اشخاص مجبور است ولی احکام صادره از فکر بچه باید صائب و از روی حقیقت باشد و الا ممکن است خطا و سهو های زیاد از او سر بزنند . این مرحله از جنبه اخلاقی بسیار خطرناک است زیرا طفل دیگر بحد بلوغ رسیده و تمایلات و هوی و هوسهای او تحریک شده است . تا این زمان بچه راجع باخلاق ولو اینکه کلمه باشد نشنیده بود ولی در این مرحله باید بتربیت اخلاق وی شروع کرد و برای اجرای این مقصود نفس خود بچه ، انسان و مناسبات و روابط بین بچه و جامعه را باید برای او بطور وضوح فهماند مخصوصاً حس عاطفه و نوع پروری را در مغز طفل باید ثاقبین نمود همچنین حس احترام نسبت بمردم و جامعه را در بچه باید تولید کرد ، تمامی این مسائل و اوامر با لفظ و حرف ممکن نیست عملی شود بلکه باید از وضعیات و تجارب حیاتی نتیجه گرفته و احساسات بچه را حتی المقدور تحریک و تربیت نمود .

بچه با مطالعه تاریخ میتواند مردم را بشناسد زیرا وقایع تاریخی حقیقت دارند با همه این رفتار و حرکات مردم با افعال و اخلاقتشان مطابقت ندارد ، اغلب اوقات اقوال مردم با فعلشان نمیسازد ، معلم درس تاریخ باید در بیان وقایع اظهار عقیده و رای کند ، وظیفه آموزگار است که حقایق و کنه وقایع را بیچگونه فهمانده و اخذ نتیجه و دادن حکم را بعهده او واگذارد .

در اواخر این مرحله بچه بزرگ شده مباشر و دوست مربی خود گردیده است ، در این موقع هم مربی از مساعدت و معاونت فکری بچه نمیتواند کوتاهی و مضایقه نماید حتی وسائل و شرایط ازدواج شاگرد خود را مربی باید فراهم سازد .

در این مرحله بچه چیزهایی را که مطبوع طبع عامه و یا طرف نفرت آنهاست می-فهمد ، برای بدست آوردن تجارب عدیده ، مجبور است بیایستخت رفته و در آنجا سیاحت کرده در باره اشیا و مردم شهری و بالاخره محیط آنجا تحقیق و تعمق نماید ، چون با مطالعه تاریخ بچه حسن و قبح وقایع و شئونات زندگانی را فهمیده و دارای قوه محاکمه است ذوقیات و کار

ها و اوضاع یاریس را بطور خوبی تشخیص داده و در اعمال نیک و بد مردمان آنجا قضاوت میکنند

### فصل پنجم از کتاب امیل:

تنهایی مرد خوب نیست، بچه حالا مرد شده و باید شریک حیات داشته باشد، شریک زندگانی طفل زوجه او است و زوجه آئینه او هم باید مثل آن تربیت شده و صاحب مزایا و فضایل اخلاقی باشد.

### عقاید روسو در تربیت زنان:

دختر هم مثل پسر باید بطور طبیعی تربیت شود، او هم باید قبل از هر چیز دارای قوت و قدرت بدنی باشد، دختر باید بدنا و روحاً لطیف و ظریف باشد.

«مناات و فضیلت شایسته زن تربیت شده است» پس با ذکر این مطالب معلوم میگردد که روسو میان تربیت زن و مرد تفاوتی را قائل است. دختران دوست دارند که مورد محبت و پسند مردم واقع شوند، مشغول شدن دختران در کوچکی با عروسک ها و آرایشهای ظاهری و غیره روحیات و تمایلات آنها را کاملاً نشان میدهد. دوشیزگان بیشتر بکارهای خانگی مخصوصاً بپوش و دوخت و بردری و غیره میل و هوس مخصوصی ابراز میکنند.

چون طبیعتاً دختران بکارهای بدی و امور خانگی مایلند در تربیت آنها هم باید از کارهای دستی شروع نمود و برای تأمین همین مقصود، تعلیم نوشتن و رسم برای دختران ضروری است دختران نباید زیاد بازی کنند زیرا ممکن است بواسطه اعتقاد بیازی بی اطاعت بارآمده و باعادت بانجام امیال و هوسهای شخصی خود نافرمان بزرگ شوند.

دختران در تمام مدت زندگانی خود باید مطیع باشند، زیرا آنها در حال مجبور باطاعت با احکام و اوامر پدران و مادران و بزرگان و شوهران خود میباشند.

غالباً پسران از مادران و پدران خود می پرسند این چیز چه فایده دارد؟ ولی دختران سؤال میکنند این چیز چگونه مورد نظر و پسند مردم واقع میگردد؟ پس چیز مهم در نظر مردها با فایده بودن آن و در نظر دختران خوش آیند شدن آن است.

زن مشاهده و تجربه را دوست دارد بنا بر این در تربیت اخلاقی زن، باید متوسل بتجارب شد زندگانی و دنیا کتاب حقیقی زن است.

چون در زمان روسو دختران مجبور بودند که تربیت کایسا به بینند، روسو مخالف این تربیت بوده و توصیه میکند حتی الامکان زن باید با دنیا و امور دنیوی مجشور و مشغول باشد وی معرفت بحیات و دنیا را برای نسوان جداً توصیه می نماید، بدختران نباید زیاد وعظ و نصیحت کرد زیرا نصایح و مواعظ کایسانی چنانکه برای پسران، مفید نیست برای دختران هم باعث تخریب و فساد اخلاق آنها می باشد. اطفال باید باین اصل ایمان کامل داشته باشند که فقط و فقط با ایفای وظایف معینه میتوانند قرین سعادت و نیکبختی بوده و بآرزو ها و امیال خود نایل شوند.

قیمت و اهمیت فضیلت نفس و حسن اخلاق را بایستی بزنان و دختران فهماند و باتلقین اهمیت آن، باید نسبت بفضیلت اخلاقی حس محبت در دل آنها تولید نمود.

دختریکه با این اصول تربیت میشود میتواند وسایل خوشبختی خود و شوهر و فرزندان خویش را فراهم سازد.

### قضاوت مریبان و مورخین در عقاید تربیتی روسو:

ژان ژاک روسو با اثر خود امیل انقلاب بس بزرگی را در عالم تربیت برپا نموده و

بتمام اشتباهات و غلط‌کاریهایی که در تربیت آنروزی اتفاق میافتاده خانه داده و هر کس را بتفکر در امور تربیتی تشویق و راهنمایی کرده است. انتقاداتی که بکتاب امیل نوشته اند بی‌اندازه زیاد منجمله آنتی امیل (۱) Emile - Anti (۱۷۶۳) فرمی (۱) و آنتی امیل ژردیل (۲) (۱۷۶۳) میباشد. افکار روسو بعدی مخالف یکدیگرند که کسی که این کتاب را میخواند ممکن نیست بافکار متضاد آن بی‌نبرد.

تدقیق طبیعت بچه، تطبیق تربیت موافق طبیعت و استعداد طفل قبل از روسو باین اندازه مورد توجه مریان قرار نگرفته بود، بچه باید بچشم بچگی نگاه کرد این اصل سبب تحولات و تغییرات بزرگی در عالم تربیت شده است.

روسو در تربیت اطفال جداً با تربیت بطریق اجبار و فشار مخالف است.

روسو با قلم توانا و شیرین خود مقاصد خود را بتمام دنیا رسانده و چنان اعمال تأثیری در عالم تربیت نموده که امروزه همه مریان عالم حتی عوام الناس هم تصدیق دارند که «تربیت و تعلیم باجوب و شکنجه سوء نتیجه می‌بخشد»

### اصول مختلفیه روسو

حمله شدید روسو بپدر و مادرانی که در تربیت اولادشان لاقید بوده و در این کار مسامحه و غفلت روا میدارند، ضرورت تربیت از گهواره، تربیت حواس بتوسط اشیاء، دوست داشتن بچه، تدقیق روحیات بچه برای انبساط استعداد های او، حمله بی‌امان با اصول بدو غیر طبیعی تربیت آنروزی، خسته نکردن حافظه، تلف نکردن اوقات بچه با دادن معلومات بیفایده فضیلت دوستی و امثال اینها که اس اساس تربیت میباشد از افکار صحیح و مفید روسو میباشد.

### پیشنهاد های ناصواب روسو:

روسو افراد را خوب و ولی جمعیت را فاسد و خراب می‌نامد، این اندازه خوش بین بودن در حق افراد و بدبینی نسبت بجمعیتی که همان افراد تشکیل میدهد دور از انصاف است. روسو تساوی بشر را در خلقت باور میکند، اگر چه این عقیده بطور نظری صحیح است اما میان افراد بشر عدم مساوات بی اندازه و محسوس وجود است، با استعداد و با جرزه بودن بعضی از مردم و فاقد بودن برخی از اشخاص از لیاقت و قابلیت، عدم تساوی در خلقت را ثابت میکند.

اگر چه خود روسو طرفدار تربیت آزاد و طبیعی است ولی در موقع عمل می‌بینیم که امیل همیشه در تحت نظر مریی میباشد و علاوه در نتیجه تحقیقات و تجاربی که علمای یداکتری بدست آورده اند این مسئله ثابت شده که تربیت آزاد هرگز عملی نیست، بچه را نمیشود در قبول تربیت و عدم قبول آن آزاد گذاشت.

روسو بر این عقیده است که طفل بدون عیب و نقصان قدم بدنیاء می‌گذارد و بواسطه تربیت غلط مریان و بدی محیط، فاسد الاخلاق و بد رفتار بار می‌آید و برای تربیت بچه و اصلاح آن تربیت منفی و دور نگاه داشتن آن از محیط بدو تأثیرات مضر را کافی میداند ولی چنانکه می‌دانیم طفل ممکن است بواسطه وراثت دارای طبایع و سجایای بد و مضری باشد. آیا وظیفه مریی نیست که با تدقیق حیات و طبیعت طفل آن سجایا و کیفیت ها را در نظر گرفته و در اصلاح آن بکوشد؟

تربیت امیل تربیت انفرادی است و مربی امیل فقط روسو است، روسو بتعلیم و تربیت اجتماعی و مدرسه اهمیت نمیدهد در صورتیکه محسنات و منافع تربیت و تعلیم مدرسه را هیچکس نمی‌تواند انکار نماید.

روسو در ندرسات و تعلیم فقط منظور استفاده را در نظر گرفته و از منافع معنوی و بدیعی تعلیم و تربیت چشم پوشیده است.  
روسو بر ضد اطاعت شاگرد بمری خود میباشد در صورتیکه بتجرب به رسیده که تربیت حسابی بدون اطاعت انجام پذیر نیست.

روسو بر این عقیده دارد که بچه را تا شانزده هیجده سالگی باید از اختلاط با مردم منع نمود چنانکه میدانیم انسان ذاتا اجتماعی است برای اینکه بچه دارای روح اجتماع باشد باید در میان اجتماعات بشری نشو و نما یابد.

وی در تربیت به تشبیر و تهدید و مکافات و مجازات اهمیت نداده بلکه بر علیه این قبیل چیزها است، در صورتیکه یکی از وسایل تشویق و تحریص محصلین مخصوصا اطفال خرد سال مکافات و مجازات میباشد.

روسو تربیت زنان را فقط برای خوش آیتد و دل پسند شدن آنها لازم میدانند، ابدآ وظایف لازمه زنان و امور موظفه آنها را در نظر نگرفته چنانکه آشنیزی و باغبانی را لایق زن نمیدانند گذشته از این میگوید دختر از شعر و تاریخ و ادبیات بی‌خبر است در یک کلمه میتوان گفت که عقاید روسو در تربیت زنان خیلی محدود است.

### نکات مفیده در اصول تربیتی روسو:

- توصیه های روسو در ضرورت تعلیم و تربیت عمومی.
- اهمیت زیاد دادن بتربیت بدنی.
- مشغول کردن بچه با حرکات بدنی و تحقیق و مطالعه سعایا و روحیات و استعداد او.
- انطباق تربیت بچه با طبیعت فطری و روحیات وی.
- لمس اشیاء برای شناختن آنها.
- تقویت حواس بواسطه اشیاء
- تحریک و تقویت حس تجسس
- تولید ذوق و هوس در طبیعت طفل
- اهمیت دادن بتجربه و مشاهده و فعالیت شخصی بچه.
- لزوم کسب حرفه ای برای هر فردی از افراد بشر و توضیح مضرات عدم توجه بآن.
- اهمیت دادن بتجارب و تعلیم خارجی Fxcursian مانند سیاحت در شهرها و غیره

محمود ابوالضیاء

### آندرز

همان بردبار و سخن یادگیر  
وفا دار و پاکیزه و تازه رو  
فردوسی

خردمند باید که باشد دیر  
شکیبا و بادانشی و راستگو